

## باسمه تعالی

- ۲ ..... اجزاء
- ۲ ..... اتیان به مامور به اضطراری
- ۲ ..... تحریر محل نزاع
- ۲ ..... نکته اول: عدم اجرای بحث اجزاء بنا بر شرطیت عذر مستوعب
- ۳ ..... نکته دوم: عدم وجود قرینه بر اجزاء
- ۳ ..... اجزاء مامور به اضطراری از امر واقعی
- ۳ ..... بیان اول: اطلاق دلیل اضطراری
- ۴ ..... اشکال اول: تسالم بر نفی وجوب تعیینی امر اضطراری
- ۴ ..... جواب اشکال اول: وجوب تعیینی امر اضطراری در صورت اجزاء
- ۴ ..... اشکال دوم: انکار اطلاق موضوع در صورت عذر غیر مستوعب
- ۵ ..... جواب از اشکال دوم: صحت ادعای مرحوم آخوند کبرویا
- ۵ ..... اشکال سوم: تعارض اطلاق امر اضطراری و اختیاری

**موضوع:** بدار / اجزاء امری از امر دیگر / اجزاء

### خلاصه مباحث گذشته:

در جلسه گذشته استاد نکاتی را در رابطه با بحث بدار و بحث اضطرار فرمودند. نکته ای مهم آن این بود که آیا اضطرار به سوء اختیار جایز است یا نه؟ ایشان یک بحث ثبوتی را مطرح کردند و یک بحث اثباتی. از لحاظ مقام اثبات، استاد فرمودند اگر اختیار به سوء اختیار نباشد، عمل مضطر نیست به مختار، کمبودی ندارد. اما اگر اضطرار به سوء اختیار باشد بعید نیست که عمل مضطر نسبت به مختار دارای کمبود است.

## اجزاء

## اتیان به مامور به اضطراری

## تحریر محل نزاع

## نکته اول: عدم اجرای بحث اجزاء بنا بر شرطیت عذر مستوعب

بحث در مطالب مرحوم آخوند تمام شد. گفته شد که بحث ثبوتی نیازی نیست. بهتر این است که در تحریر محل نزاع این گونه گفته شود که محل بحث ما در امراضطراری، جایی است که امر اضطراری واقعی باشد و بحث امر اضطراری ظاهری داخل مبحث آتی است. لذا اگر کسی عذر مستوعب را شرط امر اضطراری دانست (مثل مرحوم خوئی)، پس اگر کسی در اول وقت نماز بخواند به اعتقاد این که عذرش مستوعب است یا شک دارد که عذرش مستوعب است یا نه، استصحاب بقاء عذر را تا آخر وقت جاری کند و نماز با تیمم بخواند از محل بحث خارج است. چون در فرضی که اعتقاد به عذر مستوعب دارد، واقعا امر ندارد و امرش خیالی است. زیرا شرط امر نماز با تیمم عذر مستوعب است و چون در اثناء عذرش برطرف شده است پس امری ندارد. پس در فرض اعتقاد به عذر مستوعب امرش خیالی است و در فرض شک که استصحاب بقاء عذر تا آخر وقت را جاری می‌کند، نیز داخل در بحث امر ظاهری است. اگر هم عذرش مستوعب شد دیگر بحث از اعاده معنا ندارد. زیرا عذرش مستوعب است و باید بحث قضاء مطرح شود که مفروغ است.

بر مبنای کسانی که عذر مستوعب را شرط می‌دانند بحث وجود ندارد. اعاده که امر ندارد و قضاء هم که بحث دیگری دارد و تابع امر جدید است و شک در امر جدید داریم و قضاء هم واجب نیست.

**نتیجه:** بحث اتیان به مامور به امر اضطراری در جایی است که واقعا امر اضطراری باشد اما بنا بر مبانی کسانی که شرط عذر مستوعب را قائلند بحثی از این جهت نیست. یا مستوعب است یا نیست. اگر مستوعب شد که بحثی ندارد اگر مستوعب نیست امر ندارد. لذا مثل مرحوم خوئی راحت است و نیازی به بحث ندارد.

## نکته دوم: عدم وجود قرینه بر اجزاء

مرحوم خوئی فرموده است: محل نزاع ما در مجرد اتیان به مأموریه امر اضطراری است. آیا چنین عملی مجزی از امر واقعی هست یا نه؟ اما ممکن است از جهاتی دیگری دلیل و قرینه ای باشد که چنین عملی مجزی باشد مثل بابتقیه. دلیل خاص داریم که نماز تقیه ای مجزی است. بحث ما کلی است و بنا بر قاعده است. در مواردی که قرینه بر اجزاء وجود دارد از محل بحث خارج است.

## اجزاء مأموریه اضطراری از امر واقعی

در محل بحث باید به خطاب امر اضطراری مراجعه شود. دو بیان مهم برای اجزاء وجود دارد.

## بیان اول: اطلاق دلیل اضطراری

مرحوم آخوند فرموده است که مقتضای خطابات اضطراری (چه امری فتیموا و چه جمله خبری التراب احد الطهورین) اجزاء است. مرحوم آخوند تصریح به دلیله دارد. عین دلیل امر اضطراری. لذا مراد اطلاق لفظی است و اطلاق مقامی نیست و اطلاق مقامی خلاف ظاهر کلام مرحوم آخوند است.

تقریب اطلاق لفظی را مرحوم اصفهانی این گونه بیان کرده است (و خوب هم بیان کرده است). اگر دلیل، امر باشد، اطلاق دارد. مثلاً قیام به نماز موضوع است که مطلق است وقتی قیام به نماز شود و آب پیدا نشد، اطلاق دارد. چه آب بعداً پیدا شد و عذر مرتفع شد و چه پیدا نشد. حال اگر اول وقت قیام به نماز شد و آب هم یافت نشد. پس مکلف به تیمم است. مقتضای اطلاق امر (فتیموا) که در تعیینیت لذا اگر مکلف قیام به نماز کرد و آب پیدا نکرد و اطلاق فتیموا او را شامل شد و از طرفی ظهور در تعیینیت دارد پس باید مجزی باشد. زیرا اگر نماز اول وقت با تیمم، مجزی نبود از باب این که وافی به تمام ملاک نبود، باید وجوب تخییری جعل می‌کرد. یعنی یا عمل اول وقت و بعداً هم اعاده شود (تخییر) و یا تا آخر وقت صبر کند. لازمه ی امر به تیمم تعییناً اجزا است. چون اگر مجزی نبود یا امر نمی‌کرد و یا تخییراً امر می‌کرد. پس اولاً امر کرده است و ثانیاً امر ظهور تعیینی دارد. به عبارت دیگر هم موضوع اطلاق دارد و هم محمول اطلاق دارد.

۱ محاضرات فی الاصول، الخوئی، السید ابولقاسم، ج ۲، ص ۴۱.

اما اگر دلیل جمله خبریه باشد مفادش این است که تراب را هر کجا استعمال کردی، ظهور است. همان طوری که اگر با آب نماز می خواندید مجزی بود، در تراب که به آب تنزیل ( همان طوری که طهارت مائیه تعینی بود طهارت ترابیه هم تعینی است) شده است هم مجزی است.

### اشکال اول: تسالم بر نفی وجوب تعینی امر اضطراری

این که گفته شد دلیل تیمم وجوب تعینی دارد درست نیست. زیرا بلا اشکال شخص می تواند نماز را در اول وقت نخواند و در آخر وقت نماز به وضوء بخواند. چه کسانی که قائل به اجزاء هستند و چه کسانی که قائل به اجزاء نیستند تخییر را قبول دارند. پس وجوب تعینی خلاف تسالم است. قطعاً وجوب تیمم تخییری است. قطع داریم که اطلاق آیه مراد نیست. وقتی وجود تعینی نداشت اجزاء را نمی توان اثبات کرد.

### جواب اشکال اول: وجوب تعینی امر اضطراری در صورت اجزاء

در جایی که عمل اضطراری واقعی به ملاک است یا وافی به معظم ملاک است و بقیه ملاک لازم نیست که تدارک شود و یا تدارکش لازم است ولی امکان تحصیلش نیست، وجوب تعینی پابرجاست. بلکه مکلف می تواند صبر کند و خودش را از این موضوع خارج کند. نظیر شخص مسافر و حاضر. اگر وجوب تخییری باشد در فرض عدم اجزاء است. این که گفته شد (مرحوم روحانی گفته است) 'وجوب تعینی قطعی البطلان است درست نیست. کسانی که عذر مستوعب را شرط نمی دانند قائل به وجوب تعینی هستند ولی اگر نماز با تیمم نخواندی، اعاده می شود.

### اشکال دوم: انکار اطلاق موضوع در صورت عذر غیر مستوعب

مرحوم خوئی فرموده است: 'وجوب تیمم هر چند ظهور در وجوب تعینی دارد ولی این که موضوع شامل عذر غیر مستوعب بشود که محل بحث است، درست نیست. پس این که اذا قمتم الى الصلاة اطلاق داشته باشد و شامل مستوعب و غیر آن بشود درست نیست. زیرا مراد از قیام به صلات، نمازی است که مامور به است، وضوء و غسل کنید. مراد از قیام به نماز، طبیعی نمازی است که بر مکلف واجب است. قیام به نماز مقسم برای دو قسم است یکی وضوء است و دیگری تیمم است. نتیجه این می شود که در صورت عذر غیر مستوعب مشمول این آیه نیست. زیرا شخصی که آخر وقت آب پیدا می کند، طبیعی نماز را

۱ منتقى الاصول، سید محمد حسینی روحانی، ج ۲، ص ۲۹.

۲ محاضرات فی الاصول، الخوئی، السید ابولقاسم، ج ۲، ص ۴۶.

فاقد آب نیست. در حقیقت فلم تجدوا کنايه از عدم تمکن است. پس اگر عدم تمکن از طهارت مائیه بود تیمم کنید. در محل بحث گفته می شود که ملکف تمکن دارد. لذا آیه شامل بحث ما نمی شود. بلکه مقتضای آیه شریفه این است که تیمم امر ندارد بلکه نماز به طهارت مائیه آب دارد.

### جواب از اشکال دوم: صحت ادعای مرحوم آخوند کبرویا

اختلاف در استظهار از مثل این آیه شریفه است. مراد از اذا قمتم الى الصلاة چیست؟ مراد طبیعت نماز است یا مراد طبیعتی نمازی است که قیام به امتثال آن می شود؟ به نظر ما طبیعت عند القيام، اقوی است. یک سری مویدات هم در فقه مطرح شده است که مرحوم خویی می فرماید: آنها موارد استثناء هستند که از نظر ما استثناء نیست.

کبرویا ادعای مرحوم آخوند صحیح است. اگر درجایی که دلیل امر اضطراری داشتیم و عذر غیر مستوعب شد ادعای مرحوم آخوند صحیح است. هر چند که مرحوم خویی می فرماید مثال مورد بحث خصوصیت دارد و امر وجود ندارد. اما بحث کلی است. لازمه امر اضطراری که ظهور در تعیین دارد، اجزاء است. پس قاعده درست است هر چند که ممکن است تطبیق آن در بعضی موارد به با مشکل مواجه باشد. پس لازمه توجه امر اضطراری اجزاء است چون ظهور در تعیینیت دارد.

### اشکال سوم: تعارض اطلاق امر اضطراری و اختیاری

مرحوم آغا ضیاء فرموده است: که ادعای مرحوم آخوند صحیح است. فرض کلام این است که امر اضطراری وجود دارد. ایشان فرموده است هر چند که ظهور در تعیینیت دارد اما یک معارض دارد. معارض این است که امر اختیاری گفته است نماز را با طهارت مائیه بخوانید. و این دلیل اطلاق دارد. چه قبلا با امر غیر اختیاری خوانده شده است یا نخوانده شده است. بلکه دلالت از جانب امر اختیاری دلالت وضعیه است و از جانب امر اضطراری اطلاقی است و دلالت وضعیه اقوی از دلالت اطلاقی است.

ادامه بحث در جلسه آینده.